

متأسفانه در برخی مدارس فوتبال، شیاطینی هستند که به مادر جوان و تنهای نونهال چشم دارند. همین سه سال قبل بود که «ع-ج» مسئول مدرسه فوتبالی در غرب تهران، به مادر یک هنرجوی نوجوان فوتبال پیشنهاد بی‌شرمانه داد

پرونده‌ای درباره آزار جنسی در فوتبال ایران؛



فوتبال پایه جایی است که زیربنای فوتبال هر کشور در آن ساخته می‌شود و دنیا این حقیقت را باور دارد که فوتبال و فوتبالیست را باید از سن کم و در آکادمی‌ها و مراکز فوتبال پایه ساخت.

روزنامه خبرورزشی نوشت: این‌گونه می‌شود که کشورهای عربی هم سراغ راه‌اندازی شعب مدارس فوتبال باشگاه‌های سرشناس اروپایی می‌روند و با وجود کمبود استعداد، دست به سرمایه‌گذاری انبوه در زمینه کشف و پرورش فوتبالیست‌های آینده می‌زنند و البته تک و توک هم پدیده و ستاره رو می‌کنند.

فوتبال پایه از نگاه حرفه‌ای‌ها

در دنیای حرفه‌ای‌ها دو روش برای اداره فوتبال پایه وجود دارد؛ در کشورهای توسعه یافته در فوتبال، بازیکنان پا به سن گذاشته که فوتبال را به شکل علمی از مریان بزرگ آموخته‌اند و حالا به سن بازنشستگی رسیده و در عین حال، هنوز دارای شهرت و محبوبیت هستند و می‌توانند برای نونهالان جذاب باشند، در آکادمی‌ها و تیم‌های پایه از سطح نونهالان تا جوانان دعوت به کار می‌شوند (مثل مهدی مهدوی‌کیا در هامبورگ) تا تجربه و توانایی خود را با کمک محبوبیت و اسم و رسم‌شان به نسل بعدی منتقل کنند و در کشورهای در حال توسعه هم که فاقد پیش‌شرط اول (بازیکنانی که فوتبال را علمی و در باشگاه حرفه‌ای آموخته باشند) هستند، مریان بزرگ و مطرح برای کار در آکادمی‌ها و آموزش بازیکنان کم سن و سال استخدام می‌شوند تا کشوری که فعلاً در فوتبال روز دنیا حرفی برای گفتن ندارد، آینده خود را با تربیت یک نسل حرفه‌ای بسازد.

معلم به جای مربی در کشورهای توسعه نیافته

در کشورهای توسعه نیافته از لحاظ فوتبال هم معمولاً آن‌هایی که به فوتبالیست‌های کم سن و سال آموزش می‌دهند، بیشتر معلم هستند تا مربی و وظیفه دارند آن‌ها را با الفبای فوتبال آشنا کنند تا وقتی بزرگتر شدند و به یک تیم نیمه حرفه‌ای پیوستند آمادگی پذیرش درس‌های مریان بزرگ را داشته باشند. در این روش فوتبال آموزشگاهی و مدارس بار اصلی تربیت نسل بعد فوتبال را به دوش می‌کشند.

یادی از مدارس و بازی‌های آموزشگاهی

این روش سه دهه قبل که مدارس فوتبال در ایران معنی و مفهوم نداشت، پیاده می‌شد و معلم ورزش مدرسه در واقع اولین مربی هر فوتبالیست یا ورزشکاری بود که نونهال و نوجوان را به سوی ورزش حرفه‌ای سوق می‌داد و باشگاه‌هایی که در زمینه فوتبال پایه فعالیت می‌کردند، نیروی انسانی مورد نیاز خود را از رقابت‌های فوتبال مدارس و تورنمنت قهرمانی آموزشگاه‌های شهر و استان و کشور می‌گرفتند.

عصر غیرانتفاعی و مدارس فوتبال

اما با فرارسیدن عصر مدارس غیرانتفاعی و فضاهای آموزشی قوطی کبریتی که اجازه ورزش کردن به دانش‌آموزان نمی‌دهد و به موازات آن، با راه‌اندازی و رشد بدون کنترل تعداد مدارس فوتبال و تبدیل آنها به آکادمی‌های فوتبال، قرار شد زحمت تربیت

بازیکن بر عهده این مراکز باشد که در عمل مدارس فوتبال غیر از تعدادی انگشت‌شمار که به سازندگی مشغولند تا به حال به جز رؤیافروشی به بچه‌ها و خالی کردن جیب والدین آنها کارکرد مثبتی در فوتبال ایران نداشته‌اند و آکادمی‌های فوتبال باشگاه‌های حرفه‌ای هم باز به جز تعداد معدودی که بازیکن‌سازی می‌کنند، فقط محل کسب درآمد هستند و بیشتر با جذب بازیکن از خانواده‌های متمول، به جای کشف و پرورش استعدادها، نونهالان و نوجوانان مستعد را قربانی می‌کنند.

تغییر معیارها در آکادمی‌های فوتبال

تکلیف مدارس فوتبال که معلوم است؛ یک زمین کرایه‌ای، یک چهره معروف و یک وعده بزرگ مثل امکان عضویت در تیم فلان به همراه یکدست لباس که ابزار دریافت شهریه‌های سنگین شده و گلابه‌ای هم نیست چون کسانی که مدارس فوتبال را راه‌اندازی می‌کنند، این کار را شغل و منبع درآمد می‌دانند و ادعای سازندگی ندارند اما آکادمی‌ها چرا دنبال درآمدزایی صرف می‌روند و تیم‌های پایه‌ای چرا معیارشان برای جذب بازیکن، ماشین زیر پای والدین شده است؟

فاجعه گسترده از پیشنهاد بی‌شرمانه تا ...

اما ابعاد فاجعه از آنچه منتقدان تصور می‌کنند، گسترده‌تر است. کاش سطح تخلفات در فوتبال پایه در همین حد بود که مدیران و مربیان برخی آکادمی‌های باشگاه‌های لیگ برتری از بازیکنان، ورودیه می‌گرفتند. به جای تماشای قابلیت بازیکنان، به سر و وضع آنها و ماشین زیر پای پدرانشان نگاه می‌کردند. متأسفانه در برخی مدارس فوتبال، شیاطینی هستند که به مادر جوان و تنهای نونهال چشم دارند. همین سه سال قبل بود که «ع-ج» مسئول مدرسه فوتبالی در غرب تهران، به مادر یک هنرجوی نوجوان فوتبال پیشنهاد بی‌شرمانه داد و کار به مدیریت باشگاه طرف قرارداد این مدرسه فوتبال و اخراج این شخص کشید.

زخم کهنه انحراف اخلاقی

ماجرای به همین کار کثیف و غیراخلاقی ختم نمی‌شود. حالا زخم کهنه انحراف اخلاقی در فوتبال پایه دهان باز کرده است. بعد از برملا شدن راز آزار جنسی فوتبالیست‌ها در انگلیس، برخی به سرشان زد مابه‌ازای ایرانی این منحران اخلاقی را هم معرفی و شناسایی کنند. این وسط مسعود شجاعی هم با حرف‌های هنجارشکنانه خود بهانه شد. سال‌ها قبل از آنکه شجاعی ناگفته‌ها را بگوید، برخی روزنامه‌های ورزشی از جمله همین خبرورزشی هم گزارش‌هایی پیرامون کودک‌آزاری در فوتبال پایه منتشر کرده بودند. البته مسعود اسفند سال ۹۲ هم در برنامه عادل فردوسی‌پور از پدر و مادرها خواسته بود بچه‌های خود را به هر مدرسه فوتبالی نفرستند.

رسوایی آقای به‌ظاهر محترم

انحراف اخلاقی در رده سنی پایه چیز جدیدی نیست. سه نفر از استعدادیاب‌های مطرح فوتبال ایران در دهه ۵۰ هم متهم بودند به تمایلات جنسی غیرمعارف و در مورد بازیکنانی که آنها به این فوتبال معرفی کردند، حرف و داستان وجود داشت. در دهه ۶۰ هم یکی از بازیکنانی که به غلط و تنها به این دلیل که حرف زدن بلد نبود، با اخلاق تلقی می‌شد، پرونده کودک‌آزاری داشت. این شخص (الف) در دهه ۷۰، به شکل عیان و آشکار به انحراف اخلاقی متهم شد و چهره دروغینی که از او ساخته بودند، فروریخت.

تابلوی ورود ممنوع!

«الف» بعدها ادعا کرد کسانی که او را متهم به انحراف اخلاقی کرده‌اند، به شکل کاملاً خودخواسته با او ارتباط داشتند. این قصه هم رفت کنار قصه تعرض به چند ستاره فوتبال آن زمان که در جوانی از سوی بازیکنان بزرگتر مورد آزار قرار می‌گرفتند تا به قول این روانی‌ها، وقتی مطرح شدند سرشان مقابل آنها پایین باشد! بعدها درباره این بازیکنان هم گفته شد آنها خودشان مایل به این تعرض بودند! به این بعد از پرونده به دلایل اخلاقی نمی‌توان ورود کرد چراکه نه مستنداتی در دست است و نه می‌توان از اتفاقات زنده‌ای که در اردوی برخی تیم‌ها رخ می‌داد، چیزی نوشت. حتی به دو مربی سرشناس هم وصله‌هایی در همین خصوص چسبانده‌اند که صحت و سقم آن را فقط خدا می‌داند و افرادی که از پرونده باز شده در ستاد منشور اخلاقی خبر دارند!

موج جدید رسوایی منحران اخلاقی

اما حالا در موج جدید اخباری که از کودک‌آزاری در مدارس فوتبال و تعرض به نونهالان و نوجوانان در آکادمی‌های فوتبال پایه به راه افتاده و عادل فردوسی‌پور را هم وادار کرده از تریبون سیما و در پربیننده‌ترین برنامه ورزشی تلویزیون به اهالی فوتبال بگوید اگر از موضوعی مطلع هستند و یا خودشان خاطره بدی از دوره فوتبال دارند (!) با همکارانش تماس بگیرند، چند نام بیش از سایرین مطرح می‌شود؛ «میم - ب»، «الف - ف»، «ر - میم»، «ع - ج»، «الف - الف» که سابقه فعالیت به عنوان مربی فوتبال، معلم ورزش، مدیر تیم‌های پایه و... دارند و گویا پرونده‌شان در کمیته اخلاق و مراجع قضایی فوتبالی و غیرفوتبالی در حال بررسی و تکمیل است. قطعاً تعداد کسانی که مرتکب تخلف اینچنینی شده‌اند، بیشتر است و مسئولان در حال حاضر ترجیح می‌دهند در خفا، علیه این منحران لو رفته و خاطیان پنهان به اصطلاح یقه‌سفید مدرک جمع کنند و به موقع آنها را برای برخورد قانونی بخواهند!

برخورد قانونی با منحران اخلاقی

شیوه‌های زنده این مربیان منحرف از سوی منابع آگاه به اطلاع برخی مسئولان رسیده و آنها را به فکر واداشته این بار بدون در نظر گرفتن برخی خط قرمزها که باعث شده این افراد آزادانه به بچه‌های مردم تعرض کنند، متخلفان را بخواهند و با آنها به شکل قانونی برخورد کنند. متخلفانی که برای لو نرفتن کارهای شیطانی خود روی حجب و حیای نونهالان و نوجوانان حساب کرده‌اند! آنها به هوای تمرین اختصاصی، تماشا و آنالیز فیلم بازی، تمرینات بدنسازی و جلسه‌های فنی، بچه‌های بی‌گناه را به محل مورد نظر خود می‌کشاندند و با وعده بازی کردن در ترکیب اصلی، معرفی به تیم‌های بزرگ و... این کودکان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند.

سوءاستفاده شیطان‌صفت‌ها از خط قرمز رسانه‌ها

در این میان هر از گاهی هم اگر خبری مثل آنچه در سرویس بهداشتی مجموعه ورزشی... رخ داد و در رسانه‌های ورزشی بازتاب پیدا کرد یا دسیسه‌ای که یک مربی چید تا چند بازیکن تیم امید در یک کانکس از همبازی خود در حالت غیرمتعارف فیلم بگیرند و او از این بازیکن که به گفته خودش بچه‌پررو بود، مدرک و آتو داشته باشد، برملا شد، رسانه‌ها به هوای رد نکردن خطوط قرمز از پرداختن به جزئیات ماجرا خودداری کردند و ناخواسته دست شیطان‌صفت‌ها را باز گذاشتند.

خبرهای خوش از مبارزه با فساد اخلاقی

اما این بار خبرهای خوشی در راه است. خبر می‌رسد اراده مسئولان برای برخورد با انحراف اخلاقی در فوتبال پایه جدی است و این بار بدون تعارف با متخلفان و افراد خاطلی برخورد خواهد شد تا فوتبال پایه جای امن‌تری برای آینده‌سازان این فوتبال باشد. نگرش جدید مسئولان، پنهان نگه داشتن حقایق نیست. آنها می‌خواهند واضح به خانواده‌ها هشدار بدهند فرزندان خود را برای آموزش فوتبال به دست هر بی‌سر و پایی نسپارند و فریب اسامی دهان‌پرکن برخی تیم‌ها و باشگاه‌ها را نخورند و بیشتر مراقب فرزندان خود باشند.

بی‌شک هرگونه اطلاع‌رسانی شفاف و آگاهی‌بخشی از جانب مسئولان و رسانه‌های ورزشی به خانواده‌ها کمک خواهد کرد و دام‌های گسترده شده پیش پای نونهالان و نوجوانان را از صید خالی می‌کند. روزنامه خبرورزشی به عنوان پرمخاطب‌ترین رسانه بخش خصوصی و پرتیراژترین روزنامه ورزشی کشور این آمادگی را دارد با پرهیز از هیاهو و غوغاهای کاذبی که بیشتر به وحشت خانواده‌ها منجر خواهد شد و کمکی به پاکسازی فوتبال نمی‌کند، اخبار رسمی مبارزه با منحرفان اخلاقی فعال در فوتبال پایه را به شرط اعلام از کانال‌های رسمی منتشر کند و در این راه کنار نهادهایی باشد که برای پاکسازی فوتبال پایه تلاش می‌کنند.

این گزارش دروازه ورود به این راه است و طی روزهای آینده قطعاً دیدگاه مسئولان هم منعکس خواهد شد. فراموش نکنیم فوتبال باید مانع آلودگی کودکان ما باشد نه عامل آلوده شدن آنها!